

تفسیر معماران سناریو سیاه از انفجارات اهواز



Iraj.farzad@gmail.com

ایرج فرزاد

بخش فارسی شبکه بی بی سی در "ریشه یابی" و رد یابی علل و زمینه های تاریخی فرهنگی انفجار دو بمب دستی در شهر اهواز، میدان را به مفسر مسائل ایران "آقای صادق صبا" سپرده است. گرچه

"احتمال" دست داشتن دولت انگلستان و نیروهای آن در بصره و جنوب عراق در انفجار دو بمب اخیر در اهواز بطور غیر مستقیم از جانب مقامات جمهوری اسلامی حتی از زبان احمدی نژاد طرح شده است و با اینکه

علیرغم اعلام دستگیری تعدادی از "عوامل" این بمب گذاری توسط محسن اژه ای، وزیر اطلاعات رژیم، هنوز "نتیجه تحقیقات" اعلام نشده مانده است. اما بنگاه بی بی سی ترجیح داده است بهرحال تفسیر و تحلیل خود را از علل وقوع این انفجارها ارائه دهد. به همین

صفحه ۲

اطلاعیه پایانی پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

صفحه ۴

گارد آزادی

قرار مصوب پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

صفحه ۴



shoraya_shahabi@yahoo.com

ثریا شهابی

و سیاسی جنبش اسلامی، او را باید با سنگ زنده

صفحه ۳

انقلاب ایران زنانه و ضداسلامی است اعتراض به حکم سنگسار صغرا، آن را فرامیخواند!

سازمان رهایی زن طی اطلاعیه خبر داد که: ۱۱۵ اکتبر، یک دادگاه رژیم جمهوری اسلامی زنی به نام صغرا را در ورامین به سنگسار محکوم کرده است. زنی به نام صغرا را در ورامین به سنگسار محکوم کرده است. زنی به نام صغرا را در ورامین به سنگسار محکوم کرده است. زنی به نام صغرا را در ورامین به سنگسار محکوم کرده است.



aman@ukonline.co.uk

امان کفا

محاكمه صدام، عدالت جنگی است

آنچه که با دادگاه صدام حسین در حضور جمعی از خبرنگاران و مقامات دولتی به نمایش گذاشته شد، نه نمایش عدالت و عدالتخواهی بود و نه نشانی از قدرت و پیروزی مردم عراق علیه دیکتاتوری صدام. دادگاه صدام حسین در حقیقت فقط سانس دومی بود از جنگ عراق. صحنه دیگری از همان نمایش با

صفحه ۳



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۲۹ مهر ۱۳۸۴ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

پلنوم پاسخگویی به مصافها و تامین پیشرویها



azam_kamguian@yahoo.com

اعظم کم گویان

جمهوری اسلامی و مقابله با سناریوی سیاه حزب مسلح کردن مردم حزبی که ابزار تیز جنگیدن برای سرنگونی و برای کسب قدرت و انقلاب سوسیالیستی است باشیم. رهبری حزب بر تبدیل کردن حزب به حزب توده ای اجتماعی تاکید کرد. جمع بندی کردیم که در حزب کمونیست کارگری به این فراخوان منصور حکمت برای تبدیل به حزب رهبران جامعه جواب ندادیم و پروژه او برای تبدیل آن حزب به یک حزب سیاسی بزرگ متحد کننده و رهبر مردم شکست خورد. ما بر بلند کردن این پرچم و فاصله گرفتن از تصویر سنتی از چپ و ایجاد حزب رهبران جامعه پافشاری کردیم.

در پلنوم یکبار دیگر بر نقش کردستان بعنوان دریاچه قدرت برای حزب حکمتیست تاکید شد. بر نقطه قدرت ما که رهبران توده ای مردم در کردستان است و بر تغییر سیاست سازماندهی حزب در کردستان تاکید کردیم. از زاویه قومی گری که یک پای سناریوی سیاه است نیز موقعیت کردستان را که مورد توجه جریانات قومی و غرب است را بررسی کردیم و تصمیم گرفتیم.

یکی از تم های محوری پلنوم سوم آماده شدن برای پاسخگویی با اوضاع خطیر و مقابله با خطر سناریوی سیاه در ایران بود. بحث این بود که جامعه به حرکت در آمده است. راست و چپ و جریانات قومی هر یک سعی دارند مردم را به جهت خود بکشند. ادامه حیات رژیم، سرنگون نشدن آن توسط

صفحه ۲

پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب حکمتیست در مقطع مهمی از لحاظ اوضاع عینی در سطح جهانی و منطقه ای و صیفندی طبقاتی و سیر حرکت حزب برگزار شد. صفی از کمونیستهایی که در بیست سی سال گذشته جنگیدند در کارخانه و زندان مبارزه کردند اسلحه برداشتند دویندند در بدری کشیدند شکنجه شدند ایستادند شکست نخوردند با برافراشته نگهداشتن پرچم کمونیسم رادیکال در این تجمع حزبی جمع شدند و مسایل استراتژیک تاکتیکی و عملی حیاتی ای را در دستور کار خود گذاشتند. این پلنوم بدنبال بیش از یک سال فعالیت سرسختانه حزب حکمتیست و در نتیجه تحرک و فعالیت با بالاترین کالیبر کمونیستی برهبری لیدر حزب کورش مدرسی و بعد از پشت سر گذاشتن یک دوره سخت و دردناک از حیات سیاسی ما در جریان جدایی تحمیلی از حزب کمونیست کارگری برگزار شد.

در پلنوم سوم حزب ما عزم کردیم حزب رهبری اجتماعی و توده ای حزب تغییر اوضاع حزب ابزار رزمنده جنگ با

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

قیام مردم و واگذار کردن آینده به سیر خود به خودی اوضاع فرصتی را برای جریان‌ات راست و قوم پرست فراهم میکنند که سعی میکنند از آن استفاده کنند. هرچه سرنگونی رژیم عقب بیفتد، هر چقدر کمونیست‌ها از ایفای نقش خود در سازماندهی و رهبری مردم برای یک قیام عقب بمانند، راست پیشروی میکند و همراه آن کل جریان‌ات فاشیستی و ارتجاعی میتوانند جا باز کنند. براین تأکید شد که مردم هنوز پرچم روشنی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را انتخاب نکرده‌اند. جنبش سرنگونی هنوز پرچم و رهبر خود را ندارد. در میدان سیاست ایران از پرچم ما منشور سرنگونی که سرنگونی کامل جمهوری اسلامی و تضمین حق مردم در انتخاب

آزاد و آگاه نظام آینده ایران در صدر وظایف خود قرار داده است تا اپوزیسیون راست که از ترس مردم تلاش دارد با دست‌گاہ دولتی جمهوری اسلامی سازشی را شکل دهد و تا جریان‌ات قوم پرست و فاشیست و ماجراجو در میدان هستند. بر فلاکت و مساله انفجارهای اجتماعی و سازمان دادن طغیانهای آگاهانه مردم علیه فقر و فلاکت تأکید کردیم.

ما تأکید کردیم که تنها راه نجات جامعه ایران از یک اضمحلال قومی - مذهبی، گسختگی کامل بنیادها مدنی جامعه، عراقیزه شدن جامعه ایران و یادامه نکتت جمهوری اسلامی در هم کوبیدن دست‌گاہ دولت و ابزار و ماشین سرکوب آن است. این هم تنها توسط قیام مردم عملی است. در غیاب چنین سرنگونی میدان بازی همه

نیروهای ماجراجو، قوم پرست و ارتجاعی باز میشود و مردم به تباہی کشیده میشوند.

در پلنوم سوم رهبری حزب متفقاً در مورد سازمان دادن گارد آزادی بعنوان یکی از تسمه نقله های اصلی ما برای توده‌ای شدن حزب و پاسخگویی به خطر سناریوی سیاه و وضعیت خطری که در ایران با آن روبرو هستیم تصمیم گرفت. ما گارد آزادی را بعنوان یک اولویت مبرم خود می‌سازیم چون بدون آن تشکلهای کارگری را می‌بندند مبارزه عادلانه مردم را بخون می‌کشند تجمعات مردمی و آزادیهای سیاسی را ممنوع می‌کنند. بدون گارد آزادی دستجات قومی و فاشیستی و اسلامی که در کمین مردم و بخون کشیدن مبارزه آنها هستند دست بالا را پیدا می‌کنند. ما

گارد آزادی را در محل زندگی مردم سازمان می‌دهیم تا موثرتر در مبارزات کارگری، زنان، جوانان، دفاع از حقوق کودک، تقویت جنبش سرنگونی، اعتلای جنبش انقلابی و قیام عمل کنیم.

در تمامی لحظات و دقیق مباحثات پرشور و عمیق و تصمیم‌گیرهای متحدانه این پلنوم از تأمین رهبری اجتماعی توده‌ای حزب گارد آزادی تا سازماندهی مقابله با سناریوی سیاه و در جمع شدنهای رقیقانه و شاد خارج از جلسات رسمی و رفقای کادر و فعالین حزبی در تهران و کردستان و شهرهای دیگر ایران را همچنان که در کار متحد کردن کارگران و سازمان دادن گارد آزادی و در فعالیت پر شور کمونیستی در میان جوانان و زنان با پرچم

حکمتیسم را در کنار خود و همراه و متحد با خود داشتیم و احساس می‌کردیم و می‌دیدیم.

پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب حکمتیست نمایش اراده مصمم و متحدانه حکمتیستها برای عروج بعنوان رهبران جامعه ایران برای ایجاد تحولات مثبت و سمبل اعتماد به نفس و عزم خلل ناپذیر حکمتیسم برای مقابله با تهدید سناریوی سیاه سرنگونی جمهوری اسلامی برای کسب قدرت سیاسی و انقلاب سوسیالیستی بود. پلنوم سوم حزب پلنوم اراده واحد ما برای متحقق کردن رهبری اجتماعی توده‌ای و تأمین پیروزی کمونیسم در ایران بود.



از صفحه ۱

دادند که اجازه دهند مردم این منطقه در کنار زبان فارسی به زبان عربی نیز در مدارس آموزش ببینند و هویت متفاوت اعراب ایرانی به رسمیت شناخته شود.

به جملات و اصطلاحاتی که زیر آن خط کشیده‌ام، دقت کنید! آشنا نیستند؟ خاطر نشان کردن هویت "متفاوت" صربها و کروواتها و آلبانیایی "تبارها" و مقدونی "تبار"های یوگوسلاوی پیشین را بیاد می‌آورید؟ جنگ و نفرت انتقامجویی را بر سر هویت عربی یا کردی کرکوک و اکثریت یا اقلیت بودن ساکنین شعبه و سنی در عراق که دیگر داستان صفحات هر روزه تلویزیونهای ماست. ما که در میان قتل و کشتارهای هر روزه در عراق، عملیات یک جنایتکار بمب انتحاری را در میدان کار شهر بغداد دیدیم و تشخیص دادیم که بمب گذار "شیعه" در آن عملیات جنون آدمکشی دهها کارگر "سنی" را تکه تکه پاره و تصفیه میکند، داشت هویت "متفاوت" قومی و مذهبی اش را به آن شیوه "شهادت" طلبی به "رسمیت" می‌شناساند. بی بی سی و واحدهای عملیاتی اینتلجنس سرویس در بصره و جنوب عراق اکنون در انفجار بمبهای هواز دارند به هم ما شهروندان جامعه ایران می‌گویند که جنگ مقدس بر سر هویت متفاوت قومی را به پشت در منازل ما آورده‌اند. آیا سخت است از روی نسخه تکه پاره کردن مردم یوگوسلاوی و به خون کشیدن کل شیرازه مدنی

جامعه عراق ببینیم که راه انداختن جنگ برای "هویت متفاوت" قومی و مذهبی چه اندازه کثیف، ضدانسانی و جنایتکارانه است؟ فکر میکنم دیدن منظره هولناکی که پشت این قوم سازی ها و مهندسی هویت متفاوت قومی و مذهبی پنهان است کار ساده ای باشد. سرهم بندی کردن جبهه دموکراتیک "خلق عرب" و "الاحواز" و حمایت و تأمین مالی و تدارکاتی و تبلیغاتی نیروهای ارتش انگلیس در جنوب عراق بطور آشکار یا پنهان، بطور عجیبی با راه اندازی ارتش آزادیبخش کوسوو و مقدونی توسط ناتو و پنتاگون از یک سناریوی وحشتناک و واحد برای من و شما سخن میگوید. تمام داستان فدرالیسم قومی و نام نویسی لایه های سپاهی و بسیجی و دو خردادی سابق در لیست رزمندگان "ایفای حقوق اقلیتهای قومی"، مانور رزمی و تمرین جهاد فرهنگی برای جنگی خونین تر در تکرار سناریو سیاه این بار در ایران است. دو ستون تروریسم بین المللی دارند بر متن بحران و تشتت و فروپاشی جمهوری اسلامی، اردو و لشکر خود را برای غرق کردن جامعه ایران در باتلاق خونین سناریو سیاه و فدرالیسم قومی و انتقامجوییها و انفجار نفرتهای کور آماده میکنند. مردمی که هویت قومی خود را فراموش کرده بودند و منطقه‌ای که مرکز نقل مبارزات بخش پیشرو و متشکل کارگران نفت ایران بوده است، به یکباره به عنوان محل زیست موجوداتی که هویت

متفاوت قومی خود را باید باز یابند، تبدیل میشوند. انگار هویت قومی و قبیله‌ای است که مردم این شهرهای صنعتی ایران را به شیوخ قبایل چادر نشین متصل نگاه میدارد، انگار این هویت است که بخاطر آن مردم، اعم از کارگر و سرمایه دار و زن و مرد و کوچک و بزرگ برایش شورش میکنند و بمب منفجر میکنند و به این ترتیب به تبعیض از جانب "فارسها" و غیرخودبها اعتراض میکنند. ظاهر مساله این است که گویا ناراضی و خشم همه اقشار مردم از محروم بودن از آموزش به زبان مادری است. اما این توجیهات را هم در یوگوسلاوی و در عراق کنونی هم دیدیم و میبینیم. مردمی را که سالیان سال بود ملیت و قومیتشان را فراموش کرده بودند، در کنار هم درس میخواندند و رابطه و مرادوه داشتند و خود را با دنیای وسیعتر و پیشرفته تر و جهانی تر ندانی میکردند، به جان هم انداختند و گفتند صرب و کروات و بوسنی و مقدونی و کوسوو باید بر سر هر وجب از خاک و مرز هویت متفاوت خود شکم پاره کند و پاکسازی کند و کوچ بدهد و نقل مکان کند. و مفسر بی بی سی خود را به جهالت میزند وقتی که پاسخ یک تبعیض و یا یک ستم احتمالی را، نه رفع آن که در ایجاد دستجات پاکسازی قومی و راه اندازی یکانهای بمب گذار و عملیات انتحاری در مقابل ما میگرد. و کسی و هر سازمان و تشکیلاتی که در پشت این صحنه آرائیهای بی بی سی و پنتاگون و سیا و دوایر اسلامی

کند. باید بتوان قبل از وقوع فاجعه ای که جامعه ایران را به صحنه نمایش به مراتب وحشتناکتر سناریو یوگوسلاوی دیروز و عراق امروز تبدیل خواهد کرد، زمینه های تحرک و رشد و زبست جریان‌ات فلائز و فاشیست قومی و دستجات و باندهای مسلح اسلامی را خشک کرد. باید اراده مردم ایران را به گرد پرچم و پلاتفرم عبور دادن جامعه ایران از بحران لاعلاجی که جمهوری اسلامی بانی آنست متحد کرد. ما حکمتیستها از هر تلاشی برای ایستادگی در مقابل گردباد هولناکی که معماران سناریو سیاه و سازماندهندگان جنگ و پاک سازی قومی و ملی و مذهبی برای جامعه ایران تدارک دیده اند، فرو گزار نیستیم. پرچم منشور سرنگونی جمهوری اسلامی و تلاش و کوشش حزب ما برای راه اندازی و گسترش واحدهای گارد آزادی، راه و مسیر و برنامه عمل ما برای حفظ و نجات مدنیت جامعه از خطر سقوط به لجنزار سناریو سیاه است.

این صف انسانیت و مدنیت، این اردوی آزادی و برابری و سنگر دفاع در مقابل یورش که مهندسین پاکسازیهای خونین و فرماندهان زیر و رو کردن شیرازه مدنیت جامعه ایران تدارک دیده اند، را باید گسترش داد و تقویت کرد.

ما موظفیم که اجازه ندهیم جامعه ایران به این کانال خون و خونریزی و به باتلاق انتقامجوییها و پاکسازیهای قومی و تکه پاره کردن و قطعه قطعه کردن انسانها بخاطر "هویت متفاوت" قومی و ملی و مذهبی سقوط

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!



از صفحه ۱

حق متخلفین است.

بگور و در ملاعام شکنجه کش کرد. او حتی اگر همه جرائم علیه بشریت را هم مرتکب شده بود، نباید کشته شود و به این شکل فجیع به قتل برسد.

جامعه حمایت از حیوانات و جنبش دفاع از محیط زیست، برای تامین گوشت مورد نیاز انسان، مخالف کشتار فجیع حیوانات است. در کشورهایی که این جنبش قوی است کسی اجازه ندارد که حیوانات را بهوش و در عین احساس، بکشد. برای تامین گوشت مورد نیاز انسان، حیوانات و قربانیان تامین غذای انسان را بی هوش به مسلخ میبرند. کاری که جنبش اسلامی برای تغذیه خود، با قربانیانش نمی کند. این جنبشی است که از کشتار هرچه فجیع تر، قساوت هرچه بیشتر و دردناک تر، قوی تر میشود! این پایه ای ترین قدرت اسلام و جنبش اسلام سیاسی است. ارباب، ترس، مرگ، شکنجه، نیم کش و تمام کش، خون و خونخواهی، قصاص و سنگسار و تیرباران و طناب دار، اسباب عدالت اسلامی در

(صلی الله علیه وآله) آنها را به خاطر گناهانشان مجازات می کرد و حد الهی را بر آنان اجرا می نمود، اما سهم آنها را از اسلام می پرداخت و نام آنان را از دفتر مسلمین خارج نمی ساخت. (پس شما چرا بر خلاف دستور پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) هر گنهکاری را کافر می شمردید.)

در قتل و جنایت «عدل و انصاف الهی» را رعایت کنید، انطور که حدیث بالا نقل میکند! این حد اکثر اصلاح طلبی و «لیبرالیزه» کردن اسلام است. میتوان تصور کرد که «مصلح» اسلامی در حدیث بالا، کدام جانور وحشی تر از خود و پیغمبرش را اصلاح میکند! نباید اجازه داد صغرا را زنده بگور و شکنجه کش کنند. در جهان امروز کاری که رژیم اسلامی بیش از دو دهه است با مردم ایران و با زنان میکند با حیوانات نه، حتی با حشرات نمی کنند. مردم ایران شایسته رفتاری به مراتب انسانی تر از این توحش عنان گسیخته اند! نباید اجازه داد این جانوران اسلامی متعلق به بدویت غیر انسانی، باز آدم

بکشند و صغرا را هم قربانی تغذیه خود کنند. برای خلاصی از طاعون اسلامی باید کار رژیم را یکسره کرد. تنها یک قیام علیه سرتاپای این حکومت ضد انسانی میتواند مردم ایران را برای همیشه از گزند این تاجر و ارتجاع ضد بشری، آزاد کند. اسلام دین خشونت و خونریزی و انتقام، دین زن ستیزی و انسان ستیزی است. توحشی از جنس قساوت اسلامی، قرنها است که در جهان به گورسپرده شده است. اما این دین در ایران حکومت میکند و ۲۶ سال است که زن و مرد و کودک و پیر و جوان را وحشیانه قصابی، شکنجه، حبس و از زندگی انسانی محروم میکند. سنگسار، قصاص، حجاب، آخوند و فیضیه و حزب الله و پاسدار و امام و مرجع تقلید و مسجد، اجزا یک حکومت فاشیستی مذهبی است که مردم برای خلاصی از شر آن سالها است عزم کرده اند. عزمی که این حکومت فاشیستی ضد زن را به لبه پرتگاه سقوط کشانده است. انقلابی علیه سرتاپای این حکومت در حال شکل گیری است. انقلابی که

قویا ضد اسلامی و زنانه است. این را حکم سنگسار صغرا، حکم سنگسار دهها صغرا دیگر و جنگ روز مره مردم با تاجر و زن ستیزی اسلامی، اعلام کرده است. باید به جنبش خلاصی از شر حکومت اسلامی پیوست. باید خواستار لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشا مذهبی دارند، اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی، اعلام برابری کامل زن و مرد، ممنوعیت اعدام، انحلال کلیه حوزه های علمیه، مصادره کلیه موقوفات و اموال حوزه های علمیه، و دستگیری سران رژیم، شد. این حداقلی برای احیای حقوق انسانی مردم در ایران است. این از مهمترین مطالبات مردم و منشور سرنگونی رژیم است که باید در اعتراض به سنگسار صغرا و در اعتراض به همه احکام ضد انسانی و ضد زن رژیم، توسط همه مردم بدست گرفته شود.

از صفحه ۱

نیست. علت محاکمه صدام حسین همچون دستگیری اش، بیش از هر چیز دیگری پاسخ به نیازی است برای آمریکا در مقبولیت بخشیدن به جنگ عراق. تمامی دستگاه های عریض و طویل میدیا، باردیگر بکار انداخته شدند تا با یادآوری زندان و شکنجه و اعدام در عراق صدام حسین، به مردمی که در سرتاسر دنیا علیه این جنگ اعتراض کرده بودند از فواید این جنگ سخن بگویند و تبلیغ کنند. برنامه تهیه شده قرار بود که جای تصاویر شکنجه سربازان عراقی را در خاطره مردم پر کند. محاکمه صدام در عین حال به درجه زیادی، تلاش دیگری برای رسمیت بخشیدن به "دولت" عراق در اذهان مردم است، امری که دولت اسلامی ایران هم بسیار در آن دینفع است. در این راستا جمهوری اسلامی بلافاصله دست بکار شد. دادگاه و محاکمه را

برسمیت شناخت و مدارک و پرونده ها علیه صدام تهیه و ارائه کرد.

بهررو محاکمه صدام به تعویق افتاد. گرچه بی تردید تا جلسه بعدی دادگاه، تبلیغات جنگی کماکان ادامه خواهد داشت. اما آنچه که می تواند محتوم بودن ادامه و نتیجه این نمایش علیه مردم عراق را کاملا منتفی کند، همدردی و حمایت و پشتیبانی از مردم عراق و خواست هایشان در تعیین آزادانه آینده شان است، امری که بدون خروج کامل نیروهای اشغال گر و جارو کردن دستجات اسلامی ممکن نیست.

۷. گارد آزادی دارای فرماندهی سراسری و ستاد مرکزی است. فرمانده سراسری گارد آزادی به پیشنهاد دبیر کمیته مرکزی و تأیید دفتر سیاسی تعیین میشود. فرمانده سراسری گارد آزادی معاون نظامی دبیر کمیته مرکزی خواهد بود و مستقیماً تحت اتوریته او کار خواهد کرد.

۸. واحد های گارد آزادی در محیط زیست مردم و اساساً در شهرها سازمان میابند. بعلاوه گارد آزادی میتواند در شرایط لازم واحد های منظم و متحرک را نیز سازمان دهد. علنی بودن یا مخفی بودن این نیرو تابع شرایط سیاسی و نیازهای حزب است.

۹. سازمان گارد آزادی هر جا که اختناق سیاسی حاکم است از سازمان حزب در محیط کار و زیست جدا است. منبای سازمان دهی آن واحد های منفصل است که مستقیماً به فرماندهی وصل هستند.

۱۰. شرط عضویت در گارد آزادی، مانند عضویت در حزب یعنی تقاضای فرد و پذیرش او توسط کمیته حزب است.

۱۱. عضویت در گارد آزادی و عضویت در حزب یکسان نیستند. اما هر کس با پیوستن به گارد آزادی بطور اتوماتیک عضو حزب خواهد شد مگر اینکه خود صراحتاً عکس این را بخواهد.

۱۲. آئین نامه ها، مقررات و ضوابط عمومی گارد آزادی توسط دبیر کمیته مرکزی تهیه میشود و باید به تصویب دفتر سیاسی برسد. در هر حال این ضوابط و مقررات نمیتوانند با اصول سازمانی حزب در تناقض قرار گیرند. رفتار گارد آزادی و اعضای آن نمیتواند با مواد برنامه حزب و فلسفه انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه کمونیستی حزب در تناقض قرار گیرد.

www.marxhekmatsociety.com

www.koorosh-modaresi.com

hekmat.public-archive.net

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

اطلاعیه پایانی پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

گارد آزادی

۱. قرار مصوب پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اکتبر ۲۰۰۵

پلنوم سوم کمیته مرکزی اصول زیر را به عنوان مبنای گارد آزادی تصویب میکند:

۱. آنجا که:

الف - خطر از هم پاشیدن بنیاد های زندگی مدنی و [عراقیزه] کردن جامعه ایران در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و یا بعد از آن توسط دار و دسته های مسلح اسلامی، قومی و گانگسترهای سیاسی و همچنین توسط دخالت نظامی آمریکا و متحدین اش به یک خطر دائمی در ایران تبدیل شده است،

ب - بخش زیادی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی و دارو دسته های قومی و مذهبی مسلح هستند و به سیاست در ایران بعد نظامی داده اند. همچنین بستر اصلی اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی و دولتهای غربی و آمریکا به تبلیغ فدرالیسم قومی در ایران روی آورده و خطر [عراقیزه] کردن جامعه ایران و [سناریو سیاه] را به شدت افزایش داده اند،

پ - بورژوازی اپوزیسیون و دار و دسته های مذهبی و قومی میتوانند در رابطه میان خود با جنبش ها و احزاب سیاسی دیگر، بویژه با طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهان، متوسل به نیروی نظامی شوند و تجربه در ایران و عراق و سایر نقاط جهان نشان میدهد که این کار را خواهند کرد،

ت - در کردستان رابطه میان مردم با جمهوری اسلامی، بین احزاب سیاسی با هم و با مردم بعد نظامی داشته و یا به سرعت پیدا خواهد کرد و هیچ نیروی سیاسی بدون داشتن پتانسیل و قدرت نظامی کوچکترین شانسی برای دخالت موثر در حیات سیاسی جامعه را ندارد،

ث - حزب باید قادر باشد این خطرات را با قدرت پاسخ گوید، امنیت و آزادی مردم و بنیادهای جامعه را تضمین نموده و اشکالی از سازمان یابی مسلح را در پیش گیرد که با زندگی مردم انطباق داشته و قابلیت دخالت موثر در بعد سراسری ایران را نیز دارا باشد

لذا: داشتن پتانسیل و قدرت نظامی توسط حزب طبقه کارگر یک امر حیاتی تبدیل است و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای دادن پاسخ همه جانبه به این موقعیت [گارد آزادی] را تشکیل میدهد.

۲. گارد آزادی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است و بعنوان بازوی نظامی حزب در خدمت اهداف، آرمانها و برنامه این حزب سازمان میابد. هدف فوری این نیرو تضمین قدرت نظامی حزب، طبقه کارگر و مردم انقلابی برای دفاع از آزادی و امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه است.

۳. گارد آزادی هسته تسلیح عمومی مردم و تشکیل میلیس توده ای است و یکی از اشکال اصلی سازمان یابی جوانان و مردم بخصوص در محلات و شهرها است.

۴. در شرایط کنونی، با توجه به موقعیت حزب و شرایط خاص سیاسی در کردستان، که از همان ابتدا احزاب بدون پتانسیل نظامی را فاقد هر شانسی میکند، سازمان دادن گارد آزادی وظیفه عاجل حزب در کردستان است. این نیرو، در کردستان، بعلاوه وظیفه حفاظت از رهبران کمونیست مردم و فعالیت های حزب (دسته های سازمانده و غیره) در مقابل تعرض و مزاحمت جمهوری اسلامی و یا دارودسته های مسلح سیاسی، قومی و مذهبی دیگر را بر عهده دارد.

۵. حزب بتدریج و طبق یک نقشه دقیق و حساب شده سازمان دادن گارد آزادی در سایر نقاط ایران را نیز در دستور خود قرار خواهد دهد.

۶. گارد آزادی در هر منطقه جزو سازمان حزب در آن منطقه است و سلسله مراتب فرماندهی آن توسط کمیته حزب در منطقه تعیین میشود.

پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست از ۲۲ تا ۲۴ مهرماه ۱۳۸۴ (۱۴ تا ۱۶ اکتبر ۲۰۰۵) با شرکت اکثریت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و همچنین میهمانانی شامل تعدادی از کادرهای حزب و هیاتی از رهبری حزب کمونیست کارگری عراق تشکیل شد. پلنوم بعد از سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بیاد همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم و همچنین بیاد منصور حکمت کار خود را آغاز کرد. پلنوم سوم مباحث زیر را در دستور گذاشت:

۱- گزارش

۲- جمعبندی از تجربه حزب کمونیست کارگری

۳- اوضاع سیاسی ایران و وظایف و اولویت های حزب

۴- اوضاع کردستان و وظایف تشکیلات حزب در کردستان

۵- گارد آزادی

۶- قرار ها و قطعنامه های پیشنهادی

۷- انتخاب دبیر کمیته مرکزی (لیدر حزب) و معاون او

۸- انتخاب دفتر سیاسی



در اولین دستور جلسه، یعنی گزارش، کورش مدرسی دبیر کمیته مرکزی، رحمان حسین زاده معاون دبیر کمیته مرکزی و فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی در مورد فعالیت حزب از پلنوم دوم تا پلنوم سوم گزارش دادند و به سوالات پلنوم در این مورد پاسخ دادند.

دوم دستور جمعبندی از تجربه حزب کمونیست کارگری ایران بود که توسط رحمان حسین زاده معرفی شد و به تفصیل مورد بحث شرکت کنندگان در پلنوم قرار گرفت.

دستور سوم اوضاع سیاسی ایران و وظایف و اولویت های حزب بیشترین وقت پلنوم را به خود اختصاص داد. این بحث توسط کورش مدرسی معرفی شد.

دو قسمت بعدی دستور اوضاع کردستان و اولویت های حزب در این منطقه و همچنین گارد آزادی بود. این بحث ها توسط کورش مدرسی معرفی شدند.

در قسمت قرار ها و قطعنامه ها پلنوم بررسی مصوباتی در مورد تغییر در آرایش سازمان رهبری حزب، گارد آزادی، آرم گارد آزادی، کمپین مالی، حزب و سازمان ها و نهادهای غیر حزبی و توده ای، تلخیص نام حزب، تلاش برای گسترش دامنه عمل پرچم انقلابی طبقه کارگر در جنبش سرنگونی را در دستور قرار داد. در این بخش پلنوم مصوبه پیشنهادی در مورد گارد آزادی، آرم پیشنهادی برای گارد آزادی، قرار در مورد تغییر در آرایش رهبری حزب، قرار در مورد یک کمپین مالی را به تصویب رساند و بررسی قرار ها و قطعنامه های باقی مانده را به دفتر سیاسی واگذار کرد.

در کنار پلنوم مجموعه ای از سمینارها و کارگاه های مختلف از جمله، سمینار در مورد حزب و شکل های غیر حزبی و توده ای، معرفی نشریه کمونیست ماهانه و سازمان کمپین مالی حزب برگزار گردید مصوبات و مباحث پلنوم سوم در نشریات حزب انتشار خواهد یافت.

در بخش انتخابات، پلنوم به اتفاق آراء کورش مدرسی را بعنوان دبیر کمیته مرکزی (لیدر حزب) و رحمان حسین زاده را بعنوان معاون او انتخاب کرد. سپس یک دفتر سیاسی ۱۹ نفره را به شرح زیر انتخاب نمود: آذر مدرسی، اسد گلچینی، اسد نودینیان، اعظم کم گوین، امان کفا، ایرج فرزاد، بهرام مدرسی، ثریا شهابی، حسین مرادبیگی (حمه سور)، خالد حاج محمدی، صالح سرداری، عبدالله دارابی، فاتح شیخ، مجید حسینی، محمد فتاحی، محمود قزوینی، مصطفی رشیدی، مهرنوش موسوی، نسان نودینیان. در اولین جلسه دفتر سیاسی که بلافاصله بعد از پلنوم برگزار گردید، فاتح شیخ به اتفاق آراء بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد. پلنوم کار خود را با سخنرانی اختتامیه کورش مدرسی و سرود انترناسیونال به پایان رساند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۶ مهرماه ۱۳۸۴ (۱۸ اکتبر ۲۰۰۵)

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!